

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۳

خلاصه بحث

اگر کسی یک رکعت از نافله ظهر را در وقت مخصوص خودش درک کند و انجام بدهد، بقیه رکعات را می تواند در وقت نافله عصر بخواند.

نافله ظهر را نمی توان قبل از زوال انجام داد ولی این مسأله مستثنیاتی هم دارد که یکی از آنها خوف فوت نافله در وقت خودش است، که در چنین صورتی می تواند نافله را قبل از زوال بخواند.

خواندن نافله ظهر در وقت نافله عصر

مطلب این است که اگر کسی نافله ظهر را در داخل وقت عصر بخواند، آیا صحیح و مشروع است یا خیر؟ و آیا می توان گفت که وقت نافله را درک کرده یا نه؟

مقتضای نصوص و فتاوا که پیش تر گذشت، همراه با نصوص متظافر و اتفاق اصحاب، این است که وقت نافله ظهر پس از زوال و قبل از رسیدن سایه به دو قدم است و بعد از آن، انجام نافله مشروع نیست. این مطلب قبلاً بیان شد و مورد اتفاق اصحاب است.

اما مسئله اکنون این است که اگر کسی به هر دلیلی نتوانست یا نخواست و یا حال و شرایط او اجازه نداد که این نافله را در وقت خودش، یعنی قبل از رسیدن سایه به دو قدم، به جا آورد، حال اگر این شخص بخواهد تمام نافله ظهر را در داخل وقت عصر بخواند، چنین نمازی صحیح نیست؛ زیرا دیگر وقت نافله ظهر را درک نکرده است. اما اگر کسی بتواند یک رکعت از هشت رکعت نافله ظهر را قبل از اینکه سایه به دو قدم برسد به جا آورد، در این صورت، وقت نافله را درک کرده است.

امروزه با پیشرفت ابزارها و تنظیمات دقیق زمانی، می توان به طور دقیق زمان رسیدن سایه به دو قدم را محاسبه کرد. در گذشته این کار دشوارتر و به صورت تخمینی انجام می شد، اما اکنون به راحتی امکان پذیر است. البته این زمان بندی با توجه به تغییرات فصول کمی متغیر است، اما در مجموع بسیار دقیق تر از گذشته است.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۳

بنابراین اگر مشخص شود که قبل از رسیدن سایه به دو قدم، زمانی به اندازه خواندن یک رکعت وجود دارد و شخص بتواند یک رکعت از نافله ظهر را در آن زمان بخواند، در این حالت وقت نافله را درک کرده است.

این مساله، مانند وقت خود فریضه است، که اگر تنها به اندازه مدت کوتاهی به پایان وقت باقی مانده باشد و شخص بتواند یک رکعت از نماز عصر را مثلاً در داخل وقت بخواند، در این صورت، نماز او ادا محسوب می‌شود. بنابراین حتی اگر باقی رکعات را پس از اتمام وقت نماز عصر و پس از غروب بخواند، باز هم نمازش صحیح است و در این حالت، قضای نماز لازم نیست؛ زیرا طبق قاعده «من ادرک رکعة فی الوقت فقد ادرک الوقت» نمازش صحیح است، و کسی که یک رکعت را درک کرده باشد مثل کسی است که کل وقت را درک کرده است.

نظیر این حکم در مورد نافله نیز صادق است. بنابراین اگر کسی یک رکعت از نافله ظهر را در وقت محدود آن بخواند، حتی اگر باقی رکعات نافله را خارج از وقت و در وقت نافله بعدی به جا آورد، نافله او در حکم کسی است که آنرا در وقت خود ادا کرده است.

مشهور اصحاب به این مطلب فتوا داده اند و موثقه عمار نیز بر همین مطلب دلالت دارد.

موثقه عمار

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقٍ عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ قَالَ: «... وَإِنْ كَانَ قَدْ صَلَّى رَكْعَةً فَلْيَتِمَّ النَّوَافِلَ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْهَا ثُمَّ يُصَلِّيَ الْعَصْرَ وَقَالَ لِلرَّجُلِ أَنْ يُصَلِّيَ إِنْ بَقِيَ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ صَلَاةِ الزَّوَالِ إِلَى أَنْ يَمْضِيَ بَعْدَ حُضُورِ الْأُولَى نِصْفُ قَدَمٍ وَ لِلرَّجُلِ إِذَا كَانَ قَدْ صَلَّى مِنْ نَوَافِلِ الْأُولَى شَيْئاً قَبْلَ أَنْ تَحْضُرَ الْعَصْرُ فَلَهُ أَنْ يَتِمَّ نَوَافِلَ الْأُولَى إِلَى أَنْ يَمْضِيَ بَعْدَ حُضُورِ الْعَصْرِ قَدَمٌ وَقَالَ الْقَدَمُ بَعْدَ حُضُورِ الْعَصْرِ مِثْلُ نِصْفِ قَدَمٍ بَعْدَ حُضُورِ الْأُولَى فِي الْوَقْتِ سَوَاءً»^۱.

تعبیر «إِنْ كَانَ قَدْ صَلَّى رَكْعَةً فَلْيَتِمَّ النَّوَافِلَ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْهَا» اطلاق دارد و نافله ظهر و عصر را شامل می‌شود، منتهی بعد از این عبارت، تعبیر «ثُمَّ يُصَلِّيَ الْعَصْرَ» آمده است.

^۱ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۷۸، أبواب المواقيت، باب ۴۰، ح ۱، ط الإسلامیة.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۳

برخی از فقها گفته‌اند که این حکم، کل نوافل ظهر و عصر را شامل می‌شود. به این معنا که اگر در پایان وقت عصر، تنها به اندازه یک رکعت از وقت باقی مانده باشد، در این صورت می‌تواند تمامی شانزده رکعت نافله ظهر و عصر را به جا بیاورد و سپس نماز عصر را بخواند.

اما به نظر ما این صحیح نیست و خلاف ظاهر روایت است.

برخی دیگر از فقها نیز گفته‌اند که این روایت در مورد نافله ظهر اجمال دارد، و متیقن نش نافله عصر است.

این هم به نظر ما درست نیست، و قضیه برعکس است. یعنی به نظر ما در نافله ظهر، ظهور واضح کالصریح دارد، ولی در نافله عصر، ظهور اطلاقی دارد.

گروه اول از فقهاء که گفته‌اند نافله ظهر و عصر را شامل می‌شود، از تعبیر «ثُمَّ يُصَلِّي الْعَصْرَ» چنین استفاده کرده‌اند که این تعبیر در مورد شخصی است که نافله ظهر و عصر را نخوانده بود تا اینکه وقت نافله عصر هم رو به اتمام بود، یعنی سایه شاخص نزدیک بود که به چهار قدم برسد، ولی به اندازه یک رکعت فرصت داشت، در چنین صورتی شانزده رکعت نافله را می‌خواند و سپس نماز عصر را می‌خواند.

به نظر ما این برداشت از روایت درست نیست، چون در ادامه روایت، تعبیر «لِلرَّجُلِ إِذَا كَانَ قَدْ صَلَّى مِنْ نَوَافِلِ الْأُولَى شَيْئًا قَبْلَ أَنْ تَحْضَرَ الْعَصْرَ فَلَهُ أَنْ يُتِمَّ نَوَافِلَ الْأُولَى» آمده است.

تعبیر «نَوَافِلِ الْأُولَى» مضاف و مضاف الیه است، و مراد از آن، نوافل ظهر است، چون در نمازهای واجب روزانه، دو فریضه داریم، که فریضه اولی ظهر است، و فریضه ثانیه هم عصر است.

و مراد از «شَيْئًا»، یک رکعت است، چون نکره در سیاق اثبات، دلالت بر تقلیل دارد، و اقل نماز هم یک رکعت است، اما نکره در سیاق نفی دلالت بر عموم دارد.

از اینجا معلوم می‌شود که اگر کسی نافله ظهر را در وقت آن به صورت کامل درک نکند اما یک رکعت را تا قبل از رسیدن سایه به دو قدم و رسیدن وقت نافله عصر درک کند، در این صورت نافله ظهر او صحیح است. منتهی شرط است که تا قبل از

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۳

یک قدم، نماز را بخواند. یعنی پس از آنکه یک رکعت را خواند و دو قدم نافله ظهر تمام شد، در این صورت تا یک قدم وقت دارد که بقیه نافله ظهر را بخواند.

بنابراین ذیل روایت، ظهور کالصریح دارد که مراد از این عبارت، نافله ظهر است، و همین قرینه می شود که مراد از صدر روایت نافله عصر است.

بنابراین درست است که صدر روایت اطلاق دارد و می تواند شامل نافله ظهر و عصر بشود، ولی به وسیله ذیل، دست از این ظهور اولیه بر می داریم و می گوییم که مراد از صدر، نافله عصر است.

صاحب حدائق فرموده است:

«المشهور بين الأصحاب (رضوان الله عليهم) - بل الظاهر انه لا خلاف فيه - انه لو خرج الوقت الموظف للنافلة و لم يأت بها قدم الفريضة ثم قضى النافلة و ان تلبس بالنافلة و لو بركة منها ثم خرج الوقت أتمها مخففة و زاحم بها الفريضة ... قال المحقق في المعبر بعد ذكر الرواية المذكورة: و هذه الرواية سندها جماعة من الفطحية لكن يعضدها أنه محافظة على سنة لم يتضييق وقت فريضتها. قال في المدارك بعد نقل ذلك عنه: و هو جيد و يعضدها أيضا ان مضمونها موافق للإطلاقات المعلومة و ليس لها معارض يعتد به فلا بأس بالعمل بها ان شاء الله تعالى»^۲.

صدر کلام ایشان این است که اگر کسی نافله ظهر را مثلاً ترک کند و وقت نافله عصر فرا برسد حق ندارد که نافله ظهر را بخواند و باید خود نماز ظهر را بخواند و نافله را پس از آن می تواند قضا کند.

البته قضا کردن نافله در این صورت، بنا بر قول مشهور است که برای نافله وقت مشخصی را بیان کرده بودند، و نافله در غیر آن زمان را قضا می دانستند، ولی بر اساس قول سوم که صاحب عروه ترجیح داده بود، تا پایان وقت فرصت هست که نافله را بجا بیاورد.

^۲ الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، البحراني، الشيخ يوسف، ج ۶، ص ۲۱۵

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۳

صاحب حدائق در ادامه فرموده که اگر به اندازه یک رکعت از وقت نافله را در رک کرده باشد نمازش صحیح است، منتهی فرموده است که در این صورت نوافل را به صورت مخفف بخواند، یعنی مثلاً اگر در حالت عادی، حمد و سوره می خوانده، می تواند سوره را حذف کند و فقط حمد بخواند یا برخی اجزای مستحب نافله را حذف کند.

تعبیر «و زاحم بها الفریضة» یعنی با اینکه این نافله خواندن در حقیقت مزاحمت با فریضه است، اما ایرادی ندارد و جایز است.

سؤال: آیا مراد از این تعبیر این نیست که نماز را مخفف بخواند تا مزاحم فریضه نباشد؟

جواب: خیر، ظاهر عبارت این است که این مزاحمت مشروع است.

صاحب ریاض نیز فرموده است:

«إذا تلبس بنافلة الظهر و لو برکعة ثم خرج وقتها أتمّها مقدمة على الظهر، و کذا لو تلبس بنافلة العصر و لو برکعة ثم خرج وقتها أتمّها مقدمة عليه ... للموثق ... و هو نص في نافلة العصر. و فيه نوع إجمال في نافلة الظهر، لكن يدفع بعدم القائل بالفرق»^۳

ایشان اصل این مطلب را بیان کرده و بعد هم به موثق استدلال کرده است، منتهی ایشان فرموده که این موثق نص در مورد نافله عصر است و در مورد نافله ظهر اجمال دارد.

ما عرض کردیم که به نظر ما ظهور کالصريح در نافله ظهر دارد، بنابراین این قسمت از کلام ایشان را قبول نداریم.

صاحب جواهر نیز اینگونه فرموده است:

«و المناقشة في سنده بعد انجباره و اعتضاده لا يلتفت إليها، خصوصاً بعد كونه من قسم الموثق الذي هو حجة عندنا، و سهولة الأمر فيما تضمنه»^۴

^۳ ریاض المسائل في تحقيق الأحكام بالدلائل، الطباطبائي، السيد علي، ج ۲، ص ۳۰۲.

^۴ جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ۷، ص ۱۸۱.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۳

به هر حال در این مساله شهرت عظیمه داریم و ادعای لا خلاف هم شده است، و موثقه عمار هم دلالتش واضح است. بنابراین نتیجه نهایی این است که اگر کسی یک رکعت از وقت نافله ظهر را درک کند کافی است که بتواند بقیه نافله ظهر را ولو در وقت نافله عصر بخواند.

مستثنیات

بیان شد که نافله ظهر باید بعد از زوال خوانده شود و نمی توان آنرا قبل از زوال بجا آورد. منتهی استثنائاتی در اینجا داریم که یکی از آنها روز جمعه بود که این مطلب را در جلسات گذشته بیان کردیم.

یکی دیگر از مستثنیات، زمانی است که شخص خوف فوت نافله را داشته باشد، به این معنا که اگر قبل از ظهر نافله را نخواند، بعد از ظهر فرصت خواندن آنرا نخواهد داشت، که در چنین حالتی می تواند نافله ظهر را قبل از زوال بخواند.

برای این مطلب به دو دسته از روایات تمسک شده است، یک دسته، مطلقاتی هستند که می گویند نوافل را در هر زمانی می توان انجام داد، و دسته دوم مقیداتی هستند که تقدیم نافله ظهر بر زوال را در صورت وجود عذر اجازه داده اند.

یکی از روایات دسته اول که مطلقات هستند، صحیحه محمد بن عذافر است.

صحیحه محمد بن عذافر

و بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَذَافِرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «صَلَاةُ النَّطْوَعِ بِمَنْزِلَةِ الْهَدِيَّةِ مَتَى مَا أُتِيَ بِهَا قُبِلَتْ فَقَدْ مِمَّنْهَا مَا شِئْتَ وَ أَخْزَ مِنْهَا مَا شِئْتَ».^۵

این روایت می گوید که نوافل به منزله هدیه هستند و آنها را در هر زمانی می توان انجام داد، و حتی در حال اختیار هم می توان نوافل را قبل از وقت بجا آورد. این روایت اطلاق دارد و شامل نافله ظهر و عصر هم می شود، بنابراین نافله ظهر و عصر را حتی در حال اختیار نیز می توان قبل از زوال انجام داد.

^۵ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۷۰، أبواب المواقيت، باب ۳۷، ح ۸، ط الإسلامیة.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۳

منتهی مشکلی که وجود دارد این است که اصحاب اتفاق دارند که نافله ظهر را نمی توان قبل از زوال بجا آورد، بنابراین باید بگوییم که این روایت در مورد نوافل دیگر، غیر از نافله ظهر و عصر است.

روایت عمر بن یزید هم همین مضمون را دارد.

روایت بعدی هم روایت قاسم بن ولید غسانی است که در مورد نافله ظهر است و مضمون آن این است که نافله را هر زمان از روز می توان انجام داد.

روایت قاسم بن ولید غسانی

وَعَنْهُ عَنْ عَمَارِ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ ظَرِيفِ بْنِ نَاصِحٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْوَلِيدِ الْغَسَّانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ صَلَاةُ النَّهَارِ صَلَاةُ النَّوَافِلِ فِي كَمْ هِيَ قَالَ سِتُّ عَشْرَةَ فِي أَيِّ سَاعَاتِ النَّهَارِ شِئْتَ أَنْ تُصَلِّيَهَا صَلَّيْتُهَا إِلَّا أَنَّكَ إِذَا صَلَّيْتُهَا فِي مَوَاقِيتِهَا أَفْضَلُ»^۶.

این روایت به روشنی دلالت دارد که حتی اگر انسان بتواند وقت نافله را درک کند، و هیچ عذری هم نداشته باشد، باز هم می تواند نافله را قبل از وقت بخواند.

منتهی سند این روایت ضعیف است، چون قاسم بن ولید توثیق ندارد و از مشاهیر هم نیست. بنابراین نمی تواند در مقابل روایات صحیحی که وقت نافله را مشخص کرده اند بایستد.

بنابراین تنها به همان روایت اول یعنی صحیح محمد بن عذافر می توان تمسک کرد و از اطلاق آن چنین استفاده کرد که نافله ظهر و عصر را نیز می توان قبل از وقت بجا آورد.

ولی از این استدلال جواب دادیم و گفتیم که اتفاق نص و فتوا داریم که نوافل ظهرین را نمی توان قبل از زوال انجام داد.

بنابراین باید صحیح محمد بن عذافر را حمل بر غیر نافله ظهر و عصر کنیم.

^۶ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۶۹، أبواب المواقیات، باب ۳۷، ح ۵، ط الإسلامیة.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۳

اما دسته دوم از روایات، مقیداتی هستند که در صورت وجود عذر عرفی، و خوف فوت نافله، اجازه می دهند که نافله ظهر بر زوال مقدم بشود. که یکی از اینها معتبره اسماعیل بن جابر است.

معتبره اسماعیل بن جابر

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي أَشْتَغِلُ قَالَ فَاصْنَعْ كَمَا نَصْنَعُ صَلِّ سِتَّ رَكَعَاتٍ إِذَا كَانَتِ الشَّمْسُ فِي مِثْلِ مَوْضِعِهَا صَلَاةَ الْعَصْرِ يَغْنِيَا رِفَاعَ الصُّحَى الْأَكْبَرِ وَاعْتَدَّ بِهَا مِنَ الزَّوَالِ».^۷

اسماعیل بن جابر از حضرت می پرسد که اگر اشتغالی داشتم و نمی توانستم نافله را در وقتش بخوانم چه کنم؟

حضرت فرمودند که برای ما هم گاهی اشتغال پیش می آید، پس همان کاری که ما می کنیم را انجام بده. یعنی وقت نافله عصر که دو قدم بعد از زوال است را در نظر بگیر، و نظیر آنرا قبل از زوال حساب کن، یعنی چیزی حدود دو قدم از سایه را قبل از زوال در نظر بگیر و در این زمان شش رکعت از نوافل ظهر را انجام بده، و سپس حضرت فرمودند که این را از زوال حساب کن.

از این تعبیر «وَاعْتَدَّ بِهَا مِنَ الزَّوَالِ» که حضرت در ذیل فرموده اند چنین استفاده می شود که این شش رکعت، قبل از زوال خوانده شده اند.

روایت محمد بن مسلم

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَزِيدَ بْنِ زَمْرَةَ اللَّيْثِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَشْتَغِلُ عَنِ الزَّوَالِ أَوْ يُعَجِّلُ مِنَ أَوَّلِ النَّهَارِ قَالَ نَعَمْ إِذَا عَلِمَ أَنَّهُ يَشْتَغِلُ فَيُعَجِّلُهَا فِي صَدْرِ النَّهَارِ كُلِّهَا».^۸

^۷ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۶۹، أبواب المواقیات، باب ۳۷، ح ۴، ط الإسلامية.

^۸ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۶۸، أبواب المواقیات، باب ۳۷، ح ۱، ط الإسلامية.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۳

این روایت هم در صورت اشتغال، اجازه داده است که نافله ظهر قبل از زوال خوانده شود.

بنابراین به نظر ما در صورتی که شخص اشتغال داشته باشد و نتواند نافله ظهر را در وقت خودش بخواند و خوف فوت نافله را داشته باشد، در این صورت می تواند نافله را قبل از زوال بخواند.